

# پیمان ارزی فرش صادراتی و نرخهای متفاوت تبدیل ارز

فرشته امامیان

غیرنفتی ما می بایست با توجه به مزیت‌های نسبی در تولید کالا و کاهش قیمت تمام شده کالا از طریق کاهش هزینه تولید در مراحل مختلف تولید، بالا بردن کیفیت و مرغوبیت کالا، و بازاریابی صحیح و گسترده صورت پذیرد.

۲- بنا به تصور برخی، کاهش پیمان ارزی فرش و بالا بردن حاشیه سود تجار، از قاچاق

این کالا جلوگیری می کند و حال آنکه این عده به جای مبارزه جدی و قاطع با قاچاق، در پی ایجاد تعادل بین سود صادر کننده و سود قاچاقچی هستند و واضح است که سلب انگیزه ی قاچاق از این طریق، در واقع در برابری سود قاچاقچی و صادر کننده رسمی خواهد بود که در این صورت صدور کالا از جاذبه خاصی برخوردار خواهد شد. در چنین شرایطی افزایش قیمت کالاهای صادراتی در داخل کشور، امری اجتناب ناپذیر است. فرض افزایش تولیدات داخلی این کالاها در کوتاه مدت، به منظور مقابله با افزایش قیمت را نیز به سادگی نمی توان پذیرفت.

کاهش نرخ پیمان، در حقیقت نوعی مشروعیت بخشیدن به عملکرد قاچاقچیان در پائین آوردن قیمت کالاهای صادراتی است. اثرات مخربی را که این گروه بر قیمت‌های جهانی کالاهای صادراتی ایران و نیز بر قیمت‌های داخلی آنها برجای گذاشته اند، نمی توان نادیده گرفت.

مقایسه سود صادرات از طریق رسمی و قاچاق، و سعی در کاهش فاصله این دو به منظور سلب انگیزه ی قاچاق، نتیجه ای جز افزایش نرخ تورم در داخل کشور و کاهش قیمت کالاهای صادراتی در خارج نخواهد داشت.

ذکر این نکته ضروری است که کوشش در بکارگیری راه حل های صحیح اقتصادی مسلماً از رونق قاچاق خواهد کاست، ولی فرض برچیده شدن بساط قاچاقچیان با شرایط صرف اقتصادی غیر واقعی است. از اینرو، هم از معیارهای اقتصادی، هم از قوای قهری باید بطور همزمان مدد گرفت.

۳- افزایش نرخ پیمان ارزی فرش که توسط کمیسیون نرخ گذاری صورت گرفته گویای این واقعیت است که کمیسیون مربوطه با دقت خاص و برنامه ریزی صحیح و توجه کامل به شرایط اقتصادی کشور این اقدام را انجام داده است چرا که:

قیمت فرشهای صادراتی درجه یک را حدود سیزده درصد، درجه دو را هجده درصد، درجه سه را بیست و دو درصد، و درجه چهار را بیست و هفت درصد افزایش داده است و این به آن معنی است که نظر کمیسیون این بوده که فرشهای درجه یک به مقدار بیشتر و فرشهای درجات بعدی به میزان

قابل تاکید است که خریداران خارجی، معمولاً به محض اطلاع از کاهش نرخ پیمان یا تسهیلاتی از این قبیل، خواستار تخفیف های مشابه در قیمت ها می شوند.

کاهش نرخ پیمان ارزی بدون در نظر گرفتن آثار آن بر قیمت‌های داخلی، ساده نگری بیش نخواهد بود زیرا موضوع کاهش و مهار تورم که از اهداف مهم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده، تا حدودی در گرو تنظیم سیاست‌های صحیح صادراتی با توجه به آثار تورمی آن در اقتصاد کشور است. اتخاذ سیاست کاهش یا حذف پیمان ارزی نه

تنها در مورد فرش، بلکه در مورد بسیاری از کالاهای سنتی و کشاورزی دیگر، به منظور توسعه صادرات آنها در شرایط کنونی و با توجه به اختلاف فاحش نرخ ارز آزاد و ارز رسمی، صرفاً منجر به افزایش قیمت این کالاها در بازار داخلی، و در نهایت افزایش نرخ تورم خواهد شد. این افزایش قیمت ممکن است قیمت این کالاها را در بازار

## \* سیاست کاهش یا حذف پیمان

ارزی در مورد صادرات سنتی، با

توجه به اختلاف فاحش نرخ ارز

آزاد و ارز رسمی، صرفاً منجر به

افزایش قیمت این کالاها در بازار

داخلی و در نهایت افزایش نرخ

تورم خواهد شد.

داخلی تا حد قیمت آنها در بازار جهانی (به قیمت ارز آزاد) افزایش دهد. (این افزایش قیمت با کاهش نرخ پیمان ارزی شروع می شود و هرچه پیمان بیشتر کاهش یابد شدیدتر می شود و در مرحله حذف پیمان به حداکثر میرسد).

از طرفی باید در نظر داشت که فرش در بازارهای خارجی به عنوان یک کالای لوکس تلقی می شود. بنابراین ظرفیت و کشش و قدرت جذب این بازارها در مورد فرش به گونه ای نیست که ما هرچقدر فرش صادر کنیم بازم تقاضا برای آن موجود باشد. به عبارت دیگر، صادرات یکباره و بی رویه ی فرش به این بازارها، باعث اشباع بازار و در نتیجه افت قیمت می شود. تجربه صادرات زیاد فرش در سالهای ۵۸۵۹ و افت صادرات آن در سالهای بعد با در نظر گرفتن سایر عوامل موثر، تا حدود زیادی معلول این واقعیت بود. این نکته را باید در نظر داشت که اصولاً گسترش صادرات

توسعه صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت که پس از انقلاب مورد توجه مسئولان امر قرار گرفت، با کاهش بهای نفت و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی کشور در سال گذشته، بیش از پیش مورد توجه واقع شد. امید است که این توجهات با افزایش مجدد بهای نفت متوقف نشده و شاهد یک تحول عمیق و جدی در امر صدور کالاهای غیرنفتی باشیم. اما باید توجه داشت که حرکت در این جهت، محتاج سازماندهی تمام امکانات اقتصادی کشور در بخشهای مختلف برای بهره وری هرچه بیشتر از امکانات، و تنظیم استراتژی رشد و توسعه ی اقتصادی و اجتماعی کشور بر مدار استراتژی رشد و توسعه صادرات غیرنفتی است. در این رابطه عده ای معتقدند که به منظور توسعه صادرات غیرنفتی، بهتر است که پیمان های ارزی حذف شده و یا کاهش داده شوند که در این رابطه، در سال گذشته شاهد کاهش پیمان ارزی فرش به میزان بیست درصد بودیم. در سال جدید، کمیسیون نرخ گذاری کالاهای صادراتی، با توجه به روند صادرات فرش در سال گذشته، قیمت‌های داخلی فرش، قیمت‌های بین المللی فرش، رابطه برابری دلار آمریکا و مارک، و سایر مصالح اقتصادی کشور، نرخ پیمان ارزی فرش را از ۱۳ تا ۲۷ درصد افزایش داده است. این اقدام را می توان قدمی مثبت و در راستای مصالح اقتصادی کشور دانست چرا که:

۱- با کاهش نرخ پیمان ارزی فرش در سال گذشته و سایر تسهیلاتی که دولت برای صادرات غیرنفتی فراهم کرد، صادرات فرش یک باره افزایش یافت. ولی این امر منجر به افزایش قیمت فرش در داخل کشور شد زیرا کاهش نرخ پیمان به این معنی است که صادرکننده بتواند کالای خود را در خارج از کشور ارزان بفروشد. یعنی ما در واقع قیمت را برای مصرف کننده خارجی پائین نگه داشته ایم و در عین حال خواسته ایم که از سود تجار نیز چیزی کسر نشود تا انگیزه صادرات از بین نرود. اما در این میان، چون مابه التفاوت بین فروش فرش در خارج و مقدار ارزی که برای پرداخت پیمان ارزی می بایست واریز شود با توجه به اختلاف فاحش بین نرخ ارز رسمی و ارز آزاد چشمگیر است، بنابراین صادرکننده حاضر می شود که فرش را با قیمت‌های گزاف در داخل کشور خریداری نماید. سود کلان ناشی از تفاوت بین نرخ ارز آزاد و ارز رسمی موجب آن می شود که عرضه فرشهای صادراتی در بازارهای جهانی حتی با قیمت‌های نازل تر از سطح جهانی آن نیز برای صادرکننده مقرون به صرفه باشد. به این لحاظ، صادرکننده نه تنها اصراری در عرضه ی کالا در قیمت‌های بالا نمی کند و از قدرت چانه زنی خود بهره نمی گیرد، بلکه حتی در پی یافتن بازارها و خریداران جدید بر نمی آید. به ویژه